

بررسی آموزش زنان در جامعه با رویکرد آموزش از راه دور بر ارتقاء سطح دانش

(مطالعه موردی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت)

آروین توکلی^۱

چکیده

امروزه آموزش برای خدمت به جهان صنعتی و با هدف کاربایی در جوامع و توسعه مهارت‌ها طراحی شده است. با تغییرات فناوری که دنیا را در بر گرفته، مشاغل به زودی تغییر خواهند کرد. آنچه می‌خواهیم، نظام آموزشی بسیار فراگیری است که بین شکاف‌های عمیقی که در گذر زمان پدید آمده، پل بزند. نیاز اساسی این است که بگذاریم تا انسان‌ها با سرعت خودشان یاد بگیرند. در این میان سرمایه‌گذاری در آموزش زنان نه تنها شکاف جنسیتی در جوامع را کاهش می‌دهد بلکه موجب ارتقای سطح بهره‌وری، تولید بیش‌تر و درآمد بالاتر خواهد شد. این پژوهش با هدف بررسی رابطه و تاثیر آموزش از راه دور (مجازی) بر ارتقا سطح دانش زنان شاغل در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت انجام شده و طی آن با استفاده از روش‌های آماری استنباطی و بهره‌گیری از نتایج بدست آمده از توزیع پرسش‌نامه و انجام تحلیل‌های آماری به تایید فرضیه‌های فرعی پژوهش پرداخته شده، جامعه آماری شامل تمامی اساتید و کارکنان زن شاغل و نمونه آماری شامل ۵۰ نفر می‌باشد. براساس نتایج بدست آمده ساختارهای تکنولوژیکی (فناوری)، توسعه منابع انسانی بویژه توسعه آموزش زنان، در ارتباط با آموزش از راه دور هم‌چنین، ساختار نوین مدیریتی عوامل اصلی در بهبود روند کارکرد آموزش زنان به شکل مجازی خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: آموزش از راه دور (مجازی)، آموزش زنان جامعه، یادگیری، فعالیت‌های اجتماعی.

۱- دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، مرودشت، ایران.

*- نویسنده مسئول مقاله: arvin_tavakoli@yahoo.com

پیشگفتار

اعتبار و اهمیتی که زنان یک جامعه در زمینه‌های گوناگون علمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دریافت می‌کنند، از مهم‌ترین مولفه‌های توسعه یافتگی یک کشور بشمار می‌رود. آموزش زنان به عنوان یکی از مولفه‌های توسعه اجتماعی همواره مورد ارزیابی قرار گرفته و در برنامه‌ریزی‌های بلندمدت کشورها مدنظر قرار می‌گیرد. این مطلب را نیز باید مد نظر قرار داد که زنان از سرمایه‌های انسانی کشورها هستند که در سنجش قدرت ملی کشورها از عوامل اساسی بشمار می‌روند. بویژه زنانی که بتوانند مراحل آموزش را پشت سر گذاشته و دارای مهارت و تخصص‌های لازم در عرصه‌های متفاوت باشند. تفاوت تعداد سال‌های تحصیل زنان و مردان، اگرچه امری کلی و بدیهی است، بررسی دقیق آن می‌تواند بسیار آموزنده باشد. در آغاز قرن بیست و یکم، جهان همچنان شاهد تفاوت‌های جنسیتی در بسیاری از اشکال سرمایه انسانی است. بر اساس آمار یونسکو، با وجود آن‌که در دهه ۹۰ نزدیک به ۴۰ کشور جهان، مقدار سواد آموزی زنان در مقایسه با مردان از سرعت بیشتری برخوردار بوده است، هنوز دو سوم از بی سوادان جهان را زنان تشکیل می‌دهند (unesco, 2001).

از آن‌جا که در بیش‌تر کشورهای در حال توسعه، بازده تحصیلی در مقطع ابتدایی بیش‌تر از دبیرستان و در دبیرستان بالاتر از آموزش عالی است و با توجه به این‌که میانگین جمعیت جهان تحصیلاتی در حد مقطع دبیرستان دارند و میانگین سطح تحصیلات زنان نیز کم‌تر از مردان است، هرگونه سرمایه‌گذاری در آموزش زنان بازده تحصیلی دختران در مقطع دبیرستان، در شرایط یکسان، بیش از پسران است (Shultz, 1995). بنابراین، آموزش به عنوان یکی از سازوکارهای اصلی توسعه منابع انسانی مورد توجه بسیاری از صاحب نظران و مدیران آموزشی قرار گرفته است. آموزش در حقیقت یکی از راه‌های اصولی و منطقی در زمینه بکارگیری توانایی‌ها و استعدادهاى نهفته افراد است (haghighat dost, 2005). از سوی دیگر، امروزه کاربرد فناوری داده‌ها و ارتباطات در آموزش سبب شده تا محیط آموزشی به سوی مجازی شدن سوق یابد و در پی آن ارتباطات میان افراد بمنظور آموزش و گسترش دانش به گونه‌ای فزاینده از راه رایانه امکان پذیر شود (ahadian, 2004). در این راستا به این موضوع نیز باید توجه داشت که آموزش بزرگسالان به دلیل ویژگی‌های خاص خود قابلیت و ظرفیت بیش‌تری برای جذب پیشرفت‌های فناوری داده‌ها و ارتباطات دارد. با بهره‌گیری از امکانات نو که در نتیجه پیشرفت‌های فناوری داده‌ها و ارتباطات پدید آمده است، بر بسیاری از مشکلات مربوط به آموزش زنان می‌توان فائق آمد و به حتم ساختار سازمانی و فرهنگ سازمانی ارتقا یافته‌تری را می‌توان داشت. این موضوع بویژه جهت آموزش زنان در مناطق دور با استفاده از رسانه‌های یادگیری بسیار موثر خواهد بود.

بناچار چون رسانه‌های یادگیری از اجزای اصلی طراحی آموزش، اعم از رسمی و غیر رسمی‌اند و با توجه به نیازهای داده‌ای بویژه در مناطق دور از دسترس نقش رسانه‌ها و فعالیت آن‌ها باید بیش از پیش جدی گرفته شود. از این رو، اطلاع رسانی می‌بایست از هر راه ممکن، افزون بر شهرها در مناطق دور دست نیز مورد توجه قرار گیرد (khosravi & ebrahimi, 2003).

تحولات اجتماعی بویژه تغییر نقش زنان در جوامع موجب شده که مشارکت آن‌ها در افزایش تقاضای عمومی برای آموزش عالی تاثیر زیادی داشته باشد. الگوی سنتی. مردان تنها نان آور خانواده در حال تغییر است و سهم مستقیم زنان در اقتصاد خانواده بیش‌تر شده است (mohammadi rozbahani & taromi, 2004). آموزش مجازی یک روش آموزشی است که برای آموزش دهنده و آموزش گیرنده این فرصت را فراهم می‌کند که با این که از نظر زمان و مکان از هم دور هستند، فاصله آموزشی را با وسایل مناسب فناوری پر کنند (tavakoli, 2010). در این راستا نیازهای روز افزون مردم به آموزش، عدم دسترسی آن‌ها به مراکز آموزشی، کمبود امکانات اقتصادی، کمبود آموزشگران متخصص و مجرب و هزینه‌های زیادی که صرف آموزش می‌شود، کارشناسان را بر آن داشته تا با کمک فناوری داده‌ها و ارتباطات روش‌هایی نوین را برای آموزش ابداع کنند که هم اقتصادی و با کیفیت باشند و هم جمعیتی گسترده از فراگیران را نیز آموزش دهند (asemi, 1997). افزایش ارزش سرمایه بشری در اقتصاد جدید، ضرورت شکل‌های بیش‌تر و بهتر آموزش را ایجاد کرده است. آموزش مجازی نیز راهی تازه برای ایجاد یک اقتصاد نوین می‌باشد. ضرورت صنعت آموزش از راه دور گسترده به عنوان ادغام خدمات آموزشی و فناوری سبب پیشرفت و ترقی فراوان شرکت‌های آموزشی با دانش الکترونیکی شده است که در این بین زنان با آموزش‌های بالا می‌توانند نقشی بسزا داشته باشند.

روی هم رفته، هدف آموزش از راه دور (مجازی) فراهم ساختن امکان دسترسی یکسان و رایگان و جست و جوپذیر در دوره‌های درسی و ایجاد فضای آموزش یکنواخت برای اقشار گوناگون در هر نقطه و بهینه سازی شیوه‌های ارابه مطالب درسی بمنظور یادگیری عمیق‌تر و جدی‌تر است. در چنین فضایی، برخلاف آموزش سنتی، افراد به اندازه توانایی‌های‌شان از موضوع‌ها بهره‌مند می‌گردند (farhadi, 2004).

با توجه به این‌که یادگیری از راه دور، دارای نقشی متمایز و متحول و هم راستا با تحولات کسب و کار بوده و به نوعی بر چگونگی استفاده از تمامی منابع و جامعه بویژه زنان که عنصر مهم تربیت و آموزش را بر عهده دارند، تاثیر گذار می‌باشد. از سویی دیگر، در بیش‌تر سطوح و بخش‌های سازمان‌هایی که به امر آموزش اشتغال دارند، زنان نیز در این امر مهم شرکت نموده‌اند، لذا انتخاب این موضوع می‌تواند نشان‌دهنده تاثیر مستقیم و موثر بر استفاده بهینه از این روش باشد.

امروزه مسئله اصلی در آموزش از راه دور (مجازی)، دسترسی به داده‌های بیش‌تر نیست در حقیقت یکی از چالش‌های یادگیرندگان، معنی بخشیدن به حجم محتوایی است که با آن روبه‌رو می‌شوند و جذب هدفمند تمام داده‌هاست و به همین دلیل انفجار داده‌ها و پیشرفت‌های همراه با آن است که به رویکردهای نوین نیاز داریم. روی هم رفته، می‌توان گفت از اواخر دهه ۵۰ میلادی، تحولات شگرفی در جهان آغاز شد. از آن زمان تاکنون، فناوری داده‌ها، به عنوان هدایت‌گر و عامل اصلی بیش‌تر نوآوری‌های نوین برای بشریت بوده است. سرعت این نوآوری‌ها به قدری زیاد است که هنوز مراحل پیشرفت و توسعه و استفاده از آن در کل جامعه فراهم نشده، نوآوری دیگری با امکانات بهتر، راحتی بیش‌تر و هزینه‌های کم‌تر ارائه می‌شود. (habibi, 2009) در پژوهشی با نام "بررسی عوامل موثر بر پذیرش و بکارگیری فناوری داده‌ها و ارتباطات در روستاهای استان فارس"، نشان می‌دهد که بین متغیرهای جنسیت، مقدار درآمد روستاییان و نگرش روستاییان به مدیریت دفاتر با پذیرش و بکارگیری ICT رابطه معنادار وجود ندارد.

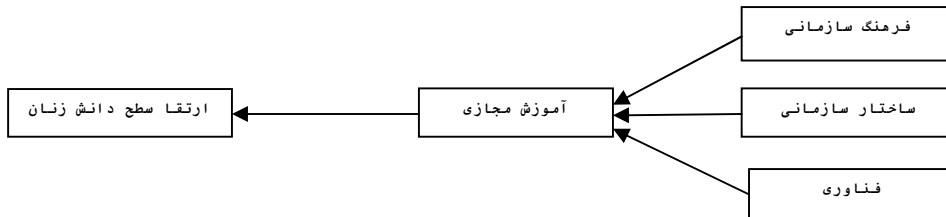
(owen, 1999) در پژوهشی با عنوان "بررسی ارتباط نگرش‌های شخصی و عوامل اجتماعی با استفاده از اینترنت"، نشان می‌دهد که زنان و افراد مسن و روستاییانی که دارای آموزش دانشگاهی اندک و تجربه کاری زیاد هستند، تمایلی کم‌تر به استفاده از اینترنت دارند. این مطالعه که در ایالت کارولینای شمالی آمریکا و درباره آموزشگران کشاورزی بویژه زنان صورت گرفته، نشان می‌دهد که بین عواملی مانند مسئولیت شغلی، تشویق مسئول بالاتر و نظام پاداش در محیط کار با مقدار استفاده از اینترنت رابطه معناداری وجود ندارد.

(ball, 2005) در پژوهشی با عنوان "کاراکترهایی برای موفقیت دانش‌آموزان آنلاین" بیان می‌کند که انگیزه افراد، مشارکت، استقلال و کارایی با آموزش از راه دور (مجازی) و تکمیل موفقیت آمیز آن دارای رابطه‌ای مثبت و معنی دار است. یادگیری الکترونیکی فرصت‌های بیشماری را فراهم می‌کند که پیش‌تر امکان‌پذیر نبود. شانس یادگیری از یک دانشگاه مشهور و معتبر امکان‌پذیر است. این امر نیازی به تغییر در شیوه زندگی فراگیر ندارد، نیاز به ترک شغل و کار یا مهاجرت خود و خانواده را از بین می‌برد. یادگیری در یک کلاس نامرئی امکان دستیابی نامحدود به داده‌ها را نیز ارتقا می‌بخشد (parker, 2004). لسللی و همکارانش سال ۲۰۰۹ در پژوهشی با عنوان آموزش دنیای مجازی، یادگیری اکتشافی و اجرای آن به این نتیجه رسیده‌اند که انتخاب آموزش مجازی به وسیله افراد به دلیل انعطاف‌پذیری و انتخاب آزاد برنامه درسی بوده است (lessli, 2009).

بنابراین، چنانچه زنان به فنون و دانش نوین برای بهره‌گیری مطلوب‌تر از امکانات تسلط داشته باشند، در حقیقت به این توانایی می‌رسند که تغییر و تحول لازم را در جامعه شان بوجود می‌آورند و از نظر اقتصادی درآمد مطلوب تری کسب می‌کنند و در نتیجه رونق اقتصادی را در خانواده و جامعه خویش شکل می‌دهند.

مدل مفهومی

با توجه به مطالب ارائه شده و بیان مفهوم پژوهش در شکل زیر مدل خاصی طراحی گردید.



روش پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی اساتید و کارمندان زن شاغل در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت می‌باشد که از میان آنان تعداد ۵۰ نفر به شکل خوشه ای و در دو دانشکده به عنوان نمونه آماری انتخاب شده است. این پژوهش از نظر کلی یک پژوهش کمی، توصیفی از نوع همبستگی و از نظر هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی بشمار می‌رود.

ابزار گردآوری، پرسش‌نامه و تجزیه و تحلیل داده‌ها

بمنظور بررسی و دستیابی به نتایج متقن و قابل استناد و همچنین، بمنظور گردآوری داده‌های مورد نیاز، پرسش‌نامه‌ای که مشتمل بر ۳۰ پرسش بود، طراحی و در جامعه آماری توزیع گردید. پرسش‌نامه‌ها شامل پرسش‌نامه فرهنگ سازمانی دنیسون بوده، در ضمن، با توجه به این که لازم بود تجزیه و تحلیل‌های لازم از راه بررسی و شناخت وضعیت موجود و سپس استخراج نتایج کار انجام شود لذا، روش میدانی و همچنین، آمار استنباطی و توصیفی به شرح زیر استفاده شد:

با توجه به استفاده از طیف لیکرت و پرسش‌نامه پنج گزینه‌ای و بمنظور تعیین سطح مطلوبیت با استفاده از مقایسه میانگین‌ها از آزمون تی‌تست استفاده شد. همچنین، بمنظور حصول اطمینان از وجود یا عدم وجود رابطه میان متغیرهای مستقل با متغیر وابسته از آزمون کای دو استفاده گردید. نیز بمنظور تعیین مقدار شدت و نوع رابطه میان متغیرهای مستقل با متغیر وابسته از آزمون دی‌سامرز استفاده شد.

بررسی نتایج و پایایی پرسش نامه

ردیف	پایایی مربوط به متغیرها	آلفای کرونباخ	تعداد پرسش‌ها
۱	فرهنگ سازمانی	۰/۹۶۶	۶
۲	ساختار سازمانی	۰/۹۸۷	۹
۳	فناوری	۰/۹۸۱	۹
۴	ارتقا سطح آموزش زنان	۰/۹۸۶	۶
۵	کلی	۰/۹۵۷	۳۰

یافته‌های پژوهش

در بخش یافته‌های توصیفی میانگین متغیرهای مستقل و وابسته آرایه شده است.

متغیرها	میانگین
ارتقا سطح دانش زنان	۲/۸۰۹
ساختار سازمانی	۳/۲۵۰
فناوری	۳/۶۲۶
فرهنگ	۲/۸۵۹

همان‌گونه که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، میانگین متغیر مستقل فرهنگ سازمانی و متغیر وابسته ارتقا سطح دانش زنان از ۳ و میانگین متغیرهای مستقل ساختار سازمانی و فناوری بیش‌تر از ۳ بدست آمده است. در تجزیه و تحلیل از آزمون کای و دی سامرز استفاده می‌شود.

فرضیه نخست: بین فرهنگ سازمانی و ارتقاء دانش رابطه معناداری وجود دارد.
در راستای سنجش این فرضیه از آزمون کای دو استفاده شده و نتایج بدست آمده در جدول‌های مربوطه ذکر شده است.

جدول ۱ - محاسبه کای دو بین متغیر مستقل فرهنگ سازمانی و ارتقای دانش.

مقدار	سطح معنادار (دو طرفه)	محاسبه فرهنگ سازمانی
۵۷۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	
۳۱۸/۰۷۲	۰/۰۰۰	کای دو پیرسون
۹۴۰۰۰	۰/۰۰۰	
۹۵		

همان گونه که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، با توجه به محاسبات انجام شده و مقدار سطح معناداری بین فرهنگ سازمانی و ارتقا سطح دانش زنان رابطه معنادار وجود دارد. **فرضیه دوم:** بین ساختار سازمانی و ارتقاء سطح دانش زنان رابطه معناداری وجود دارد. در راستای سنجش این فرضیه از آزمون کای دو استفاده شده و نتایج بدست آمده در جدول‌های مربوطه ذکر شده است.

جدول ۲ - محاسبه کای دو بین متغیر مستقل ساختار سازمانی و ارتقاء سطح دانش.

مقدار	سطح معنادار (دو طرفه)	محاسبه ساختار سازمانی
۸۶/۱۰۶	۰/۰۰۰	
۸۶/۷۱۷	۰/۰۰۰	کای دو پیرسون
۲۶/۶۵۱	۰/۰۰۰	
۹۵		

همان گونه که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، با توجه به محاسبات انجام شده و مقدار سطح معناداری بین ساختار سازمانی و ارتقا سطح دانش زنان رابطه معنادار وجود دارد. **فرضیه سوم:** بین فناوری و ارتقاء سطح دانش زنان رابطه معناداری وجود دارد. در راستای سنجش این فرضیه از آزمون کای دو استفاده شده و نتایج بدست آمده در جدول‌های مربوطه ذکر شده است.

جدول ۳ - محاسبه کای دو بین متغیر مستقل فناوری و ارتقاء سطح دانش.

مقدار	سطح معنادار (دو طرفه)	محاسبه فناوری
۱۲۸/۴۷۴	۰/۰۰۰	
۱۰۸/۵۴۹	۰/۰۰۰	کای دو پیرسون
۴/۰۱۵	۰/۰۰۰	
۹۵		

همان‌گونه که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، با توجه به محاسبات انجام شده و مقدار سطح معناداری بین فناوری و ارتقا سطح دانش زنان رابطه معنادار وجود دارد. فرضیه چهارم: فرهنگ سازمانی، ساختار سازمانی و فناوری پیش بینی کننده معنی داری برای ارتقاء سطح دانش زنان است.

پس از اطمینان یافتن از وجود رابطه میان متغیرهای مستقل با متغیر وابسته و تایید فرضیه‌های فرعی پژوهش بمنظور تعیین مقدار شدت و نوع رابطه نسبت به محاسبه دی سامرز اقدام گردید. دی سامرز برای پیش بینی مقادیر متغیر وابسته بر اساس مقادیر متغیر مستقل بکار می‌رود. بنابراین، دی سامرز زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که قصد داریم متغیر وابسته را از روی متغیر مستقل پیش بینی کنیم.

جدول ۴- محاسبه دی سامرز برای متغیر مستقل فرهنگ سازمانی.

محاسبه فرهنگ سازمانی	مقدار	T آماره	سطح معناداری
دی سامرز	۰/۵۳	۳۲/۱۷۶	۰/۰۰۰

جدول ۵- محاسبه دی سامرز برای متغیر مستقل ساختار سازمانی.

محاسبه فرهنگ سازمانی	مقدار	T آماره	سطح معناداری
دی سامرز	۰/۴۳	۶/۵۱۲	۰/۰۰۰

جدول ۶- محاسبه دی سامرز برای متغیر مستقل فناوری.

محاسبه فناوری	مقدار	T آماره	سطح معناداری
دی سامرز	۰/۲۹	۳/۳۳۵	۰/۰۰۱

همان‌گونه که در جدول‌های بالا ملاحظه می‌شود، سطح معنی‌داری متغیر مستقل فرهنگ سازمانی کم‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد لذا، رابطه میان این متغیر با متغیر وابسته ارتقا سطح دانش زنان دارای شدت بوده و رابطه یاد شده یک رابطه مستقیم می‌باشد. سطح معنی‌داری متغیر مستقل ساختار سازمانی کم‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد لذا، رابطه میان این متغیر با متغیر وابسته ارتقا سطح دانش زنان دارای شدت بوده و رابطه یاد شده یک رابطه مستقیم است. سطح معنی‌داری متغیر مستقل فناوری کم‌تر از ۰/۰۵ بوده لذا رابطه میان این متغیر با متغیر وابسته ارتقا سطح دانش زنان دارای شدت است و این رابطه یک رابطه مستقیم می‌باشد.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به این که سطح معنی‌داری ناشی از محاسبات کای دو و دی سامرز کم‌تر از $0/05$ می‌باشد، میان متغیر یاد شده با متغیر وابسته ارتقا سطح دانش زنان رابطه و شدت وجود دارد که البته، این امر با توجه به پژوهش‌های پیشین و نتایج آماری پژوهش منطقی است، اما پایین بودن سطح مطلوبیت حاصله نسبت به میانگین را می‌توان ناشی از عدم تمایل جامعه آماری به تبادل و تسهیم داده‌ها میان خود دانست. تحلیل کلی که می‌توان در رابطه با این متغیر داشت این است که جامعه آماری در ارایه پاسخ به پرسش‌ها؛ وضعیت موجود را مد نظر قرار داده اند. با توجه به این که سطح معنی‌داری حاصل از محاسبات کای دو و دی سامرز کم‌تر از $0/05$ می‌باشد، میان متغیر یاد شده با متغیر وابسته ارتقا سطح دانش زنان رابطه و شدت وجود دارد. البته، تاثیر پذیری ۴۳ درصدی منابع انسانی از متغیر مستقل ساختار سازمانی قابل توجه است. با توجه به این که سطح معنی‌داری ناشی از محاسبات کای دو و دی سامرز کم‌تر از $0/05$ می‌باشد میان متغیر یاد شده با متغیر وابسته ارتقا سطح دانش زنان رابطه و شدت وجود دارد. البته، تاثیر پذیری ۲۹ درصدی منابع انسانی از متغیر مستقل فناوری قابل تعمق است. نکات قابل تعمق در رابطه با این متغیر عبارتند از:

- وقوف پاسخ دهندگان به موضوع فناوری.
- استفاده گسترده و متنوع از شبکه های اینترنت و اینترنت باعث تاثیرپذیری این موضوع شده است.
- وجود کارکنان چند مهارته در واحدهای تابعه.
- آموزش، یکی از ابزارهای ارزشمند، جهت توانمندسازی زنان جوامع است. برآورده های مقدار بازده خصوصی سرمایه‌گذاری در آموزش نشان داده است که بازده زنان به گونه معمول، بیش‌تر از مردان بوده است. بدین معنی که گذراندن هر مقطع تحصیلی اضافی بازده بیش‌تری را برای زنان نسبت به مردان بوجود می‌آورد. مردان در سنین دبیرستان و دانشگاه با سهولت بیش‌تری نسبت به زنان به بازار کار مراجعه می‌کنند و مشغول به کار می‌شوند و ادامه تحصیل موجب نمی‌شود که آنان از کسب درآمد در بازار کار صرف نظر کنند. در حالی که بیش‌تر زنان، در صورتی که به دبیرستان و دانشگاه نروند، لزوماً به بازار کار نیز نمی‌پیوندند. بنابراین، هزینه فرصت ادامه تحصیلات برای زنان بطور نسبی پایین‌تر است. در این راستا می‌توان گفت بازده اقتصادی آموزش زنان بیش‌تر خواهد بود. ارتقای مشارکت زنان با تحصیلات عالی، بازنگری سیاست‌های موجود را ضروری می‌سازد (ghadimi, 2007)؛ لذا، با توجه به درصد بالایی از زنان که در این شرایط به فعالیت‌های اقتصادی خارج از خانه پرداخته‌اند و سیل گسترده زنان تحصیل کرده به بازار کار و با توجه به تخصص‌های متنوع و ارزنده زنان که می‌تواند در رفع نیازهای جامعه و شرکت ماهرانه و

متخصصانه در فعالیت های اقتصادی، بازده کار را به گونه کمی و کیفی ارتقا دهد، باید دید چه راهکارها و ابزار هایی برای بهره گیری اثربخش در جامعه باید بکار گرفته شود. عاملی دیگر که سرمایه گذاری در آموزش زنان را توجیه می کند، آثار خارجی مثبت تحصیلات زنان بر زندگی خصوصی و اجتماعی آنهاست. نتایج آماری پژوهش نشان می دهد که جامعه آماری نسبت به فناوری موجود و تاثیر آن در ارتقا سطح دانش زنان درصنعت دارای رضایت نسبتا خوبی می باشند. نتایج این پژوهش با پژوهش های قاری (۱۳۸۶)، برکت (۱۳۸۳) و ملکوتیان و پرورش (۱۳۸۲) نیز همراستا می باشد.

References

- Ahadian, M. (2004). Basics of Educational Technology, published twenty-fifth, publishing and promoting human. Tehran University.
- Tavakoli, A. (2010). Basics of educational technology, printing, Doshanbe, Tajik National University, published Erfan.
- Haghghat dost, Z. (2005). Education and Development in the Age of Technology, Journal of Information Science and Technology, Volume 4 (3). Pages 66-49.
- Khosravi, M. & Ebrahimi, Z. (2003). E-Learning in the village, Paper presented at the Conference on Application of Information and Communication Technology in the village, Institute of Electronic Science and Technology University, Tehran.
- Sholtz, P. (1995). Returns to women's education, the role of women in economic development, collecting Elizabeth King, the translation of GH release Armaki, Tehran: the intellectuals and women's studies.
- Asemi, F. (1979). Metadata in training, information and documentation institute's magazine, the first issue, 6th.
- Robabeh, F. (2004). Learning new paradigm in the information age, Journal of Information Science and Technology, Volume 21, Issue 1.
- Rozbahani, M. & Taromi, A. (2004). Motivational Factors for university entrance. Journal of Research and Planning in Higher Education, Winter 84, No. 37 and 38, pp. 103-126.
- Ball, A.L. (2005). The Aspiration of Farm Parents and Pre-adolescent Children for Generational Succession of The Family Form, journal of Agricultural Extensions Educational 46(2), Pp.36-46
- Owen, M. (1999). Factor Related to use of Internet by North Carolina Cooperative Extension Field Faculty (unpublished).
- United Nations Educational, Scientific, and cultural Organization (UNESCO) Institute for Statistics, Financing Education-Investments and Return, Analysis of The World Education Indicators, Online, (2002). Edition: Executive Summary, accessed online at <http://portal.unesco.org/>